



۲۰۱۶/۰۱/۰۸

تیمور شاه تیموری

دنیای فانی

من منکر به کس باور ندارم به جز عشق وطن در سر ندارم
ملا گوید که این دنیا سراب است همه کار جهان نقشی بر آب است
و او گوید، که این دنیاست فانی نماند از کسی هرگز نشانی
بود جنس تمام آرزوها مسلمانان به جنت می برند راه
در آن جانی، که عیش لایزالی بود دائم نه فکری نی خیالی
هزاران حور و غلمان دسته دسته برآرند آرزویت چشم بسته
همه حوران سیه چشمان زیبا شوند همبسترت هر گاه و بیگاه
به خورد و نوش آزارت نباشد خوری هرچند به کس کارت نباشد
شرابت میدهند از حوض کوثر که تا نوشی مکرر در مکرر
تمام عیش و نوش آماده باشد بساط خرمی گسترده باشد
هر آن عیشی، که آید در خیالت شود آماده، امیال مُحالت

*** **

بگفتا پیر دانا با مریدش به درب خانقاه! تا که بدیدش
که ای فرزانه! ای مرد مسلمان نخواهم رفت بی تو سوی رضوان

ترا از خود روانه سازم از پیش روی جنات رضوان بی کم و بیش
از آن پس من به دنبالت روانه رسیم هر دو به جنتها دوگانه
به شرط آن، که داماد تو باشم اسیر مهر و مُنقاد تو باشم
بشد دختر ازین احوال آگاه بیفگند خویشان را در بُن چاه
نه در جنت برفت آن مرد نادان نه آن پیر خُرفتِ نامسلمان

ولسی آن دخت زیبا در جوانی

بشد مقهور مرگ ناگهانی



تیمورشاه "تیموری"

شهرک زین - المان

۸ جنوری ۲۰۱۶